

## اول ماه مه، مظهر اتحاد کارگران سراسر جهان!

### شاهنگ راد

اول ماه مه، روز جهانی کارگر در راه است و در این روز کارگران سرتاسر جهان یکپارچه به میدان می‌آیند و با برگزاری میتنگ‌ها و راهپیمائی‌ها، طبقه‌ی انگل صفت سرمایه‌داری را به چالش می‌کشند. در این روز جهان شاهد خشم و نفرت طبقه‌ی محرومی است که حاکمان مسبب و بانی آنند. دنیا در این روز بر خلاف رسم و رسوم و قوانین نوشته شده‌ی سرمایه‌داری شکل دیگری بخود می‌گیرد و گردانندگان و سازندگان تاریخ، سیمای دنیا را در این روز به گونه‌ای دیگر ترسیم می‌نمایند و در صفی واحد در مقابل نظام‌های ظالمانه به صف خواهند شد. بدون شک سرمایه‌داران هم به روال همیشگی‌شان سعی خواهند نمود تا با ترتیب دادن نمایش‌های مسخره و فرمایشی بر محتوای واقعی این روز بکاهند. در حقیقت چهره‌ی واقعی جهان را در این روز می‌توان به عینه مشاهده نمود و به ترسیم در آورد که چگونه اکثریت قریب به اتفاق آحاد هر جامعه‌ی بشری در تخالف با سیاست‌های استثمارگرانه‌ی طبقات حاکم به صف می‌شوند؛ در این روز به عینه می‌توان مشاهده نمود که آرمان طبقه‌ی کارگر، رنگ، ملیت و نژاد نمی‌شناسد و همه‌ی این طبقه فارغ از مکان زیستی و نژادی‌شان از آرمان واحدی پیروی می‌نمایند و خواهان برقراری جامعه‌ی انسانی و یگانگی‌اند.

بیش از یک‌قرنیست که از ماه مه، روز جهانی کارگر می‌گذرد. اگر چه دنیا از آن زمان به بعد دست‌خوش تغییرات و تحولات گوناگونی در عرصه‌های متفاوت گردیده است؛ اما به جرأت می‌توان گفت که زندگی طبقه‌ی کارگر یعنی این سازندگان اصلی جامعه در مضیقه‌ی هر چه بیشتری قرار گرفته و روز به روز دامنه‌ی نا امنی شغلی و فقدان تأمین نیازهای اولیه‌ی زندگی از جانب آنان، گسترده و گسترده‌تر گردیده است. در حقیقت این دنیای طبقه‌ی کارگر نیست، این دنیائی نیست که طبقه‌ی کارگر سرتاسر جهان خواهان آنند. این دنیای سرمایه‌داران و مدافع‌ی آنان است و دارند با زور و ریا بر طبقه‌ی کارگر و همه‌ی زحمت‌کشان اعمال می‌نمایند. این نظام سرمایه‌داریست که دارد، دنیای دل‌خواهی خود را بر میلیاردها انسان محروم جهان تحمیل می‌نماید و دارد به انحای گوناگون جوامعی بشری را در جهت امیال کثیف خود سازمان می‌دهد. در این دنیا، فقر، بدبختی، بیکاری و به تبع از آن گرانی سرسام آور اقلام اولیه‌ی زندگی دارد، بیداد می‌کند و کمر محرومان را خرد نموده است و به موازات آن‌ها سرمایه‌داران دارند بار بحران دائم‌التزاید خویش را بر دوش میلیون‌ها انسان محروم سرشکن می‌نمایند؛ بحرانی که حاصل مناسبات گنبدیده‌ی نظام سرمایه‌داریست؛ بحرانی که این‌روزها در ابعاد گسترده‌ای دنیا را فرا گرفته است و باعث بیکاری و بی‌خانمانی میلیون‌ها تن دیگر در سرتاسر جهان گردیده است. به اثبات رسیده است که کارگر در زیر سایه‌ی این نظام‌ها فاقد امنیت شغلیست، فاقد تأمین نیازهای

اولیه‌ی زندگی خویش می‌باشد. دسته دسته از کارگران دارند از محیط کار خود رانده می‌شوند و بنابه خود خیرگزاری‌های امپریالیستی ظرف چند ماه گذشته، میلیون‌ها تن از کارگران از کار بیکار شده‌اند و به خیل عظیم بیکاران سرتاسر جهان پیوسته‌اند و میلیون‌ها تن دیگر در انتظار از دست دادن شغل‌های کم در آمدشان می‌باشند. خودشان دارند می‌گویند که نیاز به بیکارسازی بیش از این است و نیاز به آن است تا سرمایه‌داران بمنظور حفظ و پایداری حاکمیت‌شان، کارگران و زحمت‌کشان را بیش از این سر کیسه نمایند. به اثبات رسیده است، جهانی که در آن سرمایه حاکمیت دارد نمی‌توان نمادی از انسانیت و برسمیت شناختن حقوق محرومان را مشاهده نمود.

این‌ها از زمره وظایف اولیه‌ی طبقات ستم‌گر است. سرمایه وظیفه‌ای دیگری در مقابل‌اش قرار ندارد. حیات و شالوده‌اش با استثمار و چپاول کارگران گره خورده است. آمده است تا منفعت طبقه‌ی خود را در همه‌ی سرزمین‌ها محفوظ نگه دارد. بی دلیل نیست که این‌روزها به تقلا افتاده است تا گریبان هم‌نوعان خویش را از چنین وضعیتی خلاص نماید و مانعی تخریب و ورشکستگی بیش از این بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی سرمایه گردد.

حقیقتاً اگر چه سرمایه‌داری در سرتاسر جهان دست بالا را دارد و دارد بر سیاست‌های استثمارگرایی‌اش تداوم می‌بخشد و اگر چه در مقابل، ما شاهد مقاومت‌ها و اعتراضات کارگران در انگلستان، فرانسه، آلمان، سوئد، اسپانیا و دیگر نقاط جهان سرمایه‌داری می‌باشیم؛ اما به جرأت می‌توان گفت که علیرغم اعتراضات گسترده و بی‌وقفه و به گروگان‌گیری بعضاً کارفرمایان توسط کارگران انگلستان، فرانسه و غیره، سرمایه همچنان دارد بر حاکمیت خویش ادامه می‌دهد و زندگی توده‌های بی‌شماری را به فلاکت و نابودی هر چه بیشتری می‌کشاند. شاهدیم که علیرغم گستردگی بحران در نظام‌های سرمایه‌داری، سرمایه همچنان در پیش است و در مقابل تا کنون جنبش‌های کارگری - اعتراضی نتوانسته‌اند سدهای دفاعی لازمه و تعرضی را اتخاذ نمایند.

متأسفانه چنین اوضاعی در پنج قاره‌ی جهان حکم‌فرماست و به تبع از آن می‌توان مشاهده نمود که جنبش‌های کارگری - اعتراضی دارند دلیل فقدان سازمان‌های کمونیستی سالم و تأثیرگذار، بار این‌همه مصائب و مشکلات دست‌ساز سرمایه‌داران را متحمل می‌گردند. خلاء بسیار عظیمی در درون جنبش‌های کارگری - اعتراضی حاکم است. این خلاء یعنی فقدان دخالت‌گری‌ها و هدایت اعتراضات کارگری از جانب کمونیست‌ها تأثیرات بس ناگواری را بر مبارزات آنان بر جای گذاشته است. بی دلیل نیست که طبقه‌ی کارگر همه‌ی نقاط جهان و ایران دارند از چنین وضعیتی رنج می‌برند و اعتراضات‌شان صرفاً در همان محدوده‌ی خودبخودی و صنفی در جا زده است. با این اوصاف بیش از هر زمان دیگری جنبش طبقه‌ی کارگر نیازمند دخالت‌گری‌های نیروهای مدافع خویش در صحن جامعه می‌باشد؛ بیش از زمان دیگری جنبش طبقه‌ی کارگر نیازمند ارتباط و

تنیدگی با جنبش‌های کمونیستی‌ست. طبقه‌ی حاکم دارد از چنین شکاف عمیق و بی ارتباطی فیمابین جنبش‌های کارگری - اعتراضی با سازمان‌های کمونیستی سود می‌جوید و به همین اعتبار هم است که، دارد دست‌اندازی‌های خود را به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان و آن‌هم در دوران بحران عمیق، ابعاد گسترده‌ای می‌بخشد.

اول ماه، اگر چه روز اتحاد و یگانگی همه‌ی کارگران سرتاسر جهان است و از یک‌طرف می‌بایست این روز را با تمام قوا پاس داشت، از طرف دیگر می‌بایست بر موقعیت فعلی جنبش کارگری و علل نافرجامی مبارزات‌اش در مقابل کارفرمایان و مهمتر از همه‌ی بی ارتباطی‌شان با نیروهای کمونیستی واقف گردید و توضیح داد که طبقه‌ی کارگر بدون ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با سازمان‌های کمونیستی جدی و بدون مبارزه‌ی رو در روی مدافعین‌اش با سرمایه‌داران جانی نمی‌تواند بر حقوق پایه‌ای خویش دست یابد و پرچم جامعه‌ی کارگری را در مقابل نظام سراسر ظلم و تباهی سرمایه برافرازد. باید بر این امر اشراف داشت که آزادی و رهائی طبقه‌ی کارگر از زیر بار هزاران مصائب و مشکلات جامعه‌ی غیر انسانی، در تحرکات سازمانیافته‌ی و سنجیده‌ی سازمان‌های کمونیستی نهفته می‌باشد. باید بر این باور بود که خود طبقه بخودی خود - علی‌رغم اعتراضات گسترده و بی امان‌اش در مقابل کارفرمایان و صاحبان تولیدی - قادر به دگرگونی جامعه‌ی ظالمانانه نیست و باید دانست تا مادامی‌که میدین متفاوت اعتراضی خالی از نیروهای آگاه و کمونیستی‌ست، سرمایه نه تنها بر یورش خود به تنه‌های کارگران خواهد افزود بل دنیا را به کام همه‌ی محرومان تلخ خواهد نمود. در حقیقت زمانی مرگ سرمایه فرا خواهد رسید که طبقه‌ی کارگر مسلح به ایدئولوژی مارکسیست - لنینیستی گردد. تجربه به اثبات رسانده است که مبارزات طبقه‌ی کارگر بدون سازمان و سازماندهی ره بجائی نخواهد بُرد و آینده‌ای سرشار از آزادی و شکوفائی برای آنان نمی‌توان متصور نمود.

۲۵ اپریل ۲۰۰۹

۵ اریب‌هشت ۱۳۸۸